

۹۱ / ۱۲ / ۱۶

جلسه ۷۹

صحیح و اعم

چهارشنبه

سال سوم

صحیح و اعم (۱۵)

پیشخوان

پاسخ حضرت امام به اشکال اول

پاسخ حضرت امام به اشکال دوم

پاسخ به مؤید

جمع بندی مقدمه ۷

مقدمه ۸ : نکته اول

مقدمه ۹ : نکته دوم

اشاره مرحوم آخوند به ۵ نوع شرط یا جزء

۲. مبنای مرحوم عراقی

تأخر شرط از جزء، مربوط به **عالم واقع** است
ولی در **مقام تسمیه**، می توانیم هم جزء و هم شرط را با هم و در کنار هم لحاظ کنیم

اشکال به محقق عراقی:

حل نشدن مشکل با جایگزین کردن تقیّد به شرط به جای شرط

چراکه اگر **تقیّد به شرط را در مسمّی** مطرح می کنید چون باید جزء باشد تا شرط در رتبه بعد بیاید و بعد تقیّد به شرط، مطرح شود، لاجرم تقیّد به شرط در رتبه بقیه اجزاء نیست

اما اگر تقیّد به شرط، به نحو **قضیه حینیه** است داخل در مسمّی نمی شوند

پاسخ
حضرت
امام به
اشکال اول

۲. مبنای مرحوم عراقی

آنچه با اشکال ثابت می شود: در استعمال «صلّ مع الطهور» صلوة به معنای «اجزاء» است

آنچه اشکال ثابت نمی کند: این استعمال حقیقی است

یعنی = جعل «صلوة» برای «اجزاء مع الشرائط» توسط شارع و استعمال مجازی آن در «اجزاء مع الشرائط إلا الطهور»

پاسخ به

اشکال دوم

چنانکه اگر شارع گفت **«صلّ مع فاتحة الكتاب»** همین تقریر را جاری می کنیم

أضف إلى ذلك: صلوة در **«صلّ مع الطهور»** در معنای مجازی به کار نرفته است بلکه صلوة در اینجا به معنای **«الاجزاء و الشرائط»** است و این تعبیر برای بیان یکی از شرائط است

۲. مبنای مرحوم عراقی

اولاً: عدم احراز اتفاق علماء در قصدی بودن همه اجزاء و شرائط در نماز

یعنی اینکه گفته اند «صلوة عبادت قصدی است» اصلاً ظهوری در این ندارد که همه اجزاء و شرائط هم قصدی هستند

ثانیاً: نقض به ادعای خارج بودن مطلق شرایط از مسمی

طبق نظر شما «رکوع + سجده + ...» صلوة نیست مگر اینکه به قصد صلوة باشد

پس: «قصد» در مسمی دخیل است. و «قصد» از زمره شرائط است

پس: پذیرفته اید که حداقل یک شرط در مسمی دخیل است

ثالثاً: عدم لزوم قصدی بودن تمام اجزاء مسمای نماز

از آنجا که «قصد عنوان» را لازم نیست قصد کنیم، معلوم می شود که «همه آنچه در مسمی هست» را

لازم نیست قصد کنیم

پس: لازم نیست تمام اجزاء مسمای صلوة قصدی باشند

پاسخ به
مؤید

ملاک خروج از محل نزاع :

آن است که همه کسانی که در نزاع سخن می گویند، چیزی را از محل نزاع خارج بدانند. و لذا اگر کسی چیزی را محال بداند ولی دیگری محال نداند، باز در محل نزاع وارد است

قابل قبول بودن مبنای حضرت امام

مبنای حضرت امام که همه اجزاء و شرائط را داخل در محل نزاع می دانستند، قابل قبول است

نادرست بودن تعبیر مرحوم نائینی مبنی بر خروج شرائط خاص از محل نزاع

چراکه دلیل ایشان، صرفاً یک دلیل بر خروج برخی از شرائط از مسمی است و در عداد دلیل های دیگری که ممکن است بر خروج دسته ای دیگر از شرائط اقامه شود

جمع بندی

مقدمه ۷

مهمترین سؤال در بحث صحیح و اعم و در مقام تسمیه

آیا صلوة وضع شده است برای ده جزء - مثلاً - و یا برای «ده جزء در حالیکه شرائط پنج گانه» را دارند؟

نکته ۱

نکته: دخالت شرائط در تسمیه، به این نحوه است که **تقید اجزاء به آنها**، جزء مسمی می شود

به عبارت دیگر:

آنچه شرائط ماهیت صلوة است، اگر بخواهد در مسمای صلوة وارد شود به این نحوه است که «تقید به آن» جزء مسمی می شود

زمان حقیقی یا مجازی بودن استعمال مأمور به

اگر مأمور به همان مسمی باشد - استعمال، حقیقی است

اگر مسمای صلوة «رکوع + سجود» است ولی مأمور به «فقط رکوع» باشد - استعمال مجاز است

موضوع بحث در صحیح و اعم :

درباره مسمای صلوة است و نه در مأمور به

پس رابطه مسمی و مأمور به در حقیقت رابطه موضوع له و مستعمل فیه است

نکته ۲

در صورت بحث از اجزاء و شرائط:

- گاه مراد ما طبیعتی است که مأمور به است

در این صورت: هر جزء و شرطی که در مأمور به دخیل است، به شرطی که استعمال حقیقی باشد، در

مسمی هم دخیل است چراکه مسمی همان مأمور به است

- گاه مراد ما شخص مأمور به خارجی است (مصدق مأمور به)

در این صورت: آنچه در مأمور به دخیل است. ارتباطی با مسمی ندارد.

اشاره مرحوم آخوند به ۵ نوع جزء یا شرط

| | | |
|--|-------------------------------|---------------------|
| <p>اگر طبیعت مأمور به، از آن شیء و اشیاء دیگر تألیف یافته باشد و امر به مجموعه آن ها تعلق گرفته باشد. / مثال: رکوع برای صلوة</p> | <p>جزء طبیعت مأمور به</p> | <p>نحوه اول</p> |
| <p>اگر آن شیء از طبیعت مأمور به خارج باشد ولی خصوصیتی در مأمور به، بدون آن شیء حاصل نمی شود. / مثال: وضوء و غسل</p> | <p>شرط طبیعت مأمور به</p> | <p>نحوه دوم</p> |
| <p>اقسام شرط: ۱. شرط مقارن / مثال : استقبال قبله ۲. شرط متقدم / مثال: وضو ۳. شرط متأخر / مثال: غسل زن مستحاضه در شب بعد برای صوم</p> | | |

اشاره مرحوم آخوند به ۵ نوع جزء یا شرط

وقتی شما طبیعت (صلوة) را در خارج ایجاد می کنید، در آنچه ایجاد می کنید، چیزهایی را غیر از آنچه مربوط به ماهیت است، داخل می کنید

اقسام:

۱. این اجزاء گاه باعث مزیت می شود / مثال: تکرار بعضی از اذکار
۲. گاه باعث منقصت می شود / مثال: تکرار دو سوره در یک رکعت

جزء

فرد مأمور به

نحوه

سوم

آن فردی از صلوة که پدید می آید، شرائطی دارد که:
گاه موجب مزیت می شود / مثال: نماز در مسجد
گاه موجب منقصت می شود / مثال: نماز در حمام

شرط

فرد مأمور به

نحوه

چهارم

اشاره مرحوم آخوند به ۵ نوع جزء یا شرط

صلوة ظرف است برای مطلوبیت آنها [در این صورت تعدد مطلوب است]
یعنی آنها مطلوب جدیدی برای شارع هستند ولی محل آنها، نماز است

پس اینگونه اشیاء، خود مطلوب نفسی هستند که در مطلوب دیگری واقع می
شوند

اقسام:

۱. واجب در واجب / مثال: احرام در حج
۲. مستحب در واجب / مثال: قنوت در نماز واجب
۳. مستحب در مستحب / مثال: قنوت در نماز مستحبی

نه جزء و شرط
فرد است و نه جزء و
شرط ماهیت

نحوه
پنجم